



ایران ماندگار

شماره اول | سال اول | بهاء: صلوات
ماهنامه فارغ التحصیلان بسیجی دانشگاه تبریز

◆ پیام اربعین

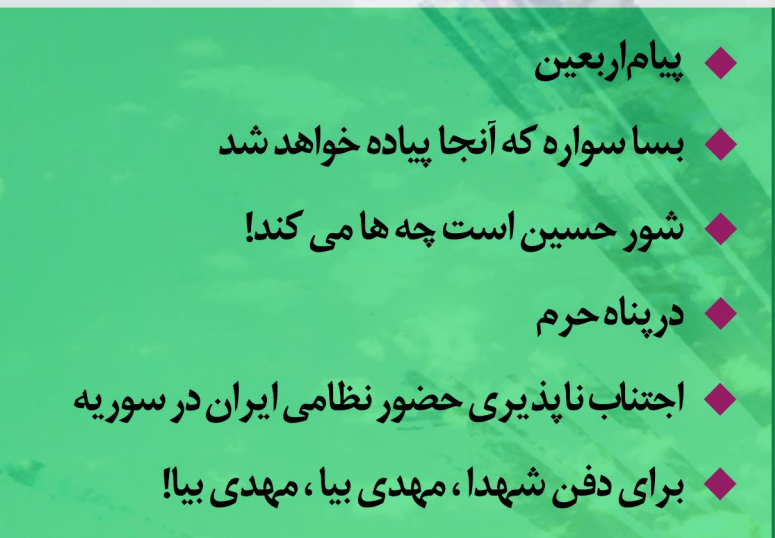
◆ بسا سواره که آنجا پیاده خواهد شد

◆ شور حسین است چه ها می کند!

◆ در پناه حرم

◆ اجتناب ناپذیری حضور نظامی ایران در سوریه

◆ برای دفن شهدا، مهدی بیا، مهدی بیا!



منم باید برم . . .

یاران ماندگار | ماهنامه داخلی مجمع فارغ التحصیلان
 بسیج دانشجویی دانشگاه تبریز دانشجویی دانشگاه تبریز
 زیر نظر | دبیرخانه مجمع یاران ماندگار
 همکاران این شماره | فاطمه جهانبخش ، علی اصغر دانشمندی
 ملیحه ذاکری ، حاج آقا رضایی ، هاجر زارعی ، محمد قربانی
 مصاحبه | علی اصغر دانشمندی ، فائزه سادات شاه طاهری
 عکس | معصوم فاضلی ، سیدحامد کاظمی
 هماهنگی | مرتضی پاسبان
 امور فنی | بهزاد کریمی ، شهریار نیک نژاد
 سردبیر | فائزه سادات شاه طاهری

۲ شناسنامه
 ۳ وسیع‌الم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون
 ۴ پیام اربعین
 ۶ بسا سواره که آنجا پیاده خواهد شد
 ۱۰ شور حسین است چه ها می کند!
 ۱۲ در پناه حرم
 ۱۴ اجتناب ناپذیری حضور نظامی ایران در سوریه
 ۱۵ برای دفن شهدا ، مهدی بیا ، مهدی بیا !

طراحی گرافیک و صفحه آرایی:
 کانون تبلیغاتی ققنوس | سید مهدی نوری
 ۰۹۱۴۴۰۰۹۸۰۳



وهدی اللهدنایار و کوی دلداری

دو کاروان در راهند ، یکی به سوی دیار یار، کربلا ؛ یکی به کوی دلداری ، سوریه.
یکی برای زیارت سالار و ساقی ، یکی برای حمایت پرچمدار و راوی.
در نخستین شماره ماهنامه داخلی یاران ماندگار ، دل به این دو راه سپرده ایم. با پیاده سواران
سپاه زینب کبری (س) ، کنار قدم های جابر ، برای زیارت خون خدا علم ها را می شماریم و با
لشگریان عباس ، به مدافعان حرم دل می دهیم .

میرزا بنویس

آبان ماه اقتصاد مقاومتی ، اقدام و عمل



پیام اربعین

حاج آقا رضایی | هیئت فاطمه الزهرا قم



اربعین حسینی و آیین‌هایی که در آن روز برگزار می‌شود، نمایشی بی‌همتا از شور و شعوری اسلامی است که می‌تواند علاوه بر درمان دردهای جهان اسلام، بهترین و مؤثرترین عامل برای معرفی اسلام حقیقی در جهان باشد.

در قرآن توصیه شده است که مؤمنان ایام الله را یادآور شوند تا این روزهای بزرگ الهی فراموش نشود. اربعین در تداوم واقعه کربلا است؛ از این رو برای پاس داشتن روز عاشورا که از اعظم ایام الله است، در روز اربعین عاشقان حسینی با حرکت امام حسین(ع) تجدید عهد می‌کنند و این تجدید عهد را در بهترین وجه خود یعنی رفتن به زیارت کربلا ابراز می‌نمایند. از این روست که در روایت امام حسن عسکری(ع)، زیارت امام حسین(ع) در روز اربعین را از علائم مؤمن دانسته‌اند.

آنچه می‌توان راز زیارت اربعین امام حسین(ع) در کربلا دانست، نقش این روز در تداوم قیام حسینی است. این که ائمه علیهم السلام عمل جابر را مورد تحسین قرار دادند و بنا بر نقلی خود اهل بیت علیهم السلام در اربعین به زیارت ایشان رفتند و این که زیارتنامه مخصوص برای اربعین از امام صادق(ع) وارد شده است، همه نشان از جایگاه ویژه اربعین در ماندگاری واقعه عاشورا است.

«و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهاله و حیره الضلاله و قد توازر علیه من غرته الدنیا و باع حظه بالارذل الادنی»، «خدایا، امام حسین(ع) همه چیزش را برای نجات بندگانت از نابخردی و سرگستگی و ضلالت در راه تو داده

در حالی که مشتی فریب خورده که انسانیت خود را به دنیای پست فروخته اند بر ضد وی شوریدند و آن حضرت را به شهادت رساندند.» این عبارات، بخشی از جملاتی است که حضرت امام صادق(ع) بر زبان مبارک خویش جاری می‌سازند و به زیارت روز اربعین امام حسین(ع) مشهور است. اما چرا امام صادق(ع) این جملات را در روز اربعین بیان می‌کنند و همگان را در این روز به دلیل و معنای قیام حضرت اباعبدالله الحسین(ع) توجه می‌دهند؟ و چرا به خواندن این زیارت تا این حد توصیه می‌شود تا آنجا که نشانه ایمان قرار می‌گیرد و چرا این همه بر زیارت مرقد مبارک حضرت اباعبدالله(ع) در روز اربعین تأکید می‌شود و خیل عاشقان از جای جای دنیا خود را به کربلا می‌رسانند؟

برای یافتن پاسخ صحیح این پرسش‌ها، باید به حدیثی از پیامبر اکرم(ص) بازگشت که ایشان فرمودند: «من از حسین و حسین از من است.» با این تعبیر و تفسیر که اگر قیام حضرت اباعبدالله الحسین(ع) نبود، اگر ایشان از همه وجود خود و اهل بیت شان نمی‌گذشتند، امروز اثری از آثار اسلام ناب محمدی باقی نمانده بود. با علم بر این مسأله، این سؤال مطرح می‌شود که آیا قیام کربلا به تنهایی می‌توانست این اثربخشی را داشته باشد؟ اگر حادثه عظیم کربلا در سال ۶۱ می‌ماند و اگر ما امروز از چگونگی آن اطلاع نداشتیم، این غلبه خون بر شمشیر می‌توانست امروز کارکرد مؤثر خود را داشته باشد؟

واقعه کربلا نیز مانند هر موضوع مهم دیگر، زمانی در ذهن‌ها و جامعه زنده مانده و می‌تواند کارکرد اصلی خود را داشته باشد که نشر یابد و درباره آن روشنگری شده و گرمی داشته شود. با این روش و منطق، آنچه حسین بن علی(ع) به سبب آن برخاست، حیات می‌یابد و در جامعه بسط پیدا می‌کند و اگر چنین نباشد، دیگر بار، یزیدیان و فرهنگ طاغوت غلبه پیدا خواهند کرد.

اربعین حسینی اهمیت و ارج خود را از این منظر می‌گیرد که فرصتی است برای زنده نگه داشتن حقیقت عاشورا و تکثیر گفتمان سیدالشهدا(ع). این نگاه به اربعین شهادت امام حسین(ع) است که به بیستم ماه صفر اصالت می‌دهد و اربعین را در راستای روشنگری‌های حضرت زینب(س) در مجلس یزید و افشاگری‌های امام سجاد(ع) قرار می‌دهد و بزرگداشت آن، همان عمل زینبی است و تکلیف آنانی است که پس از عاشورا زندگی می‌کنند و به تعبیر دقیق‌تر می‌توان گفت تا زمانی که اربعین این چنین پرشور، گرمی داشته می‌شود، نهضت عاشورا نیز امتداد خواهد داشت و در سایه آن، اسلام زنده است. همان‌طور که امام خمینی(ره) فرمودند: «همین محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است.

در راستای همین اهمیت اربعین و زنده نگه داشتن آن و شناساندن اربعین حسینی به عالمیان جهت رفع جهالت و دور کردن مردم از ضلالت است که آیت‌الله محمدتقی بهجت فومنی درباره نقش پیاده روی روز اربعین می‌

گوید: روایت دارد که امام زمان (عج) که ظهور فرمود، پنج ندا می‌کند به اهل عالم، اَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِي الْحُسَيْنَ قَتَلُوهُ عَطْشَانًا، اَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِي الْحُسَيْنَ سَحَقُوهُ عِدْوَانًا... امام زمان خودش را به واسطه امام حسین(ع) به همه عالم معرفی می‌کنند... بنابراین در آن زمان باید همه مردم عالم، حسین(ع) را شناخته باشند... اما الان هنوز همه مردم عالم، حسین(ع) را نمی‌شناسند و این تقصیر ماست چون ما برای سیدالشهدا(ع) طوری فریاد نزدیم که همه عالم صدای ما را بشنود، پیاده روی اربعین بهترین فرصت برای معرفی حسین(ع) به عالم است.



بسا سواره که آنجا پیاده خواهد شد

مصاحبه

در عراق و همین تعداد هم در ایران و در مسیر تردد زائران بویژه در مرز توسط هیئات و گروه های ایرانی برپا شده بود. طبیعی به نظر میرسد که امسال افزایش داشته باشد. بیشتر این مواکب مردمی هستند. البته کمکهایی از طرف برخی نهادها مثل سپاه یا ستاد بازسازی عتبات انجام می شود.

ضرورت وجود موکب ایرانی چیست؟

الحمدلله و به عنایت خون اباعبدالله (ع)، موکب داران بین زائران و مهمانان خودشان تفاوتی قائل نمی شوند. به همین دلیل اگر حتی تمام موکبها عراقی هم باشند مشکلی پیش نمی آید. ولی وجود موکب ایرانی، علاوه بر اینکه حس قدم زدن در کوچه پس کوچه های شهرهای خودمان مخصوصا در ایام عاشورا و تاسوعا رو منتقل میکند، مزایایی هم دارد. مثلا راهنمایی هایی که زائر لازم دارد و کمک به گمشدگان یا مصدومان ساده تر انجام میشود. مراسم عزاداری فارسها و ترکها و سایر اقوام هم الی ماشالله بپاست و هر کس با زبان و لهجه ای موکبی رو پیدا میکند که هم شهریانش در حال نوکری در آن هستند.

چرا همین سیستم در حوالی مرزهای ایران برای زائرین انجام نمی شود؟ منظورم برقراری ایستگاه های صلواتی است.

اتفاقا دوستانی که سالهای قبل مسافر اربعین بودند، هر سال شاهد بیشتر شدن موکبها یا به قول شما ایستگاه صلواتی ها در مرز و مسیر هستند. این مراکز که برخی به زیبایی آن را «خیمه زوار»

بوی اردوی جنوب که می آمد، از همان جلسه های اولش تا همان اختتامیه بعد از عیدش، مسئولیتمان هرچقدر هم که کوچک بود، برایمان بزرگ بود. و به اندازه همان بزرگی برایش وقت می گذاشتیم، حتی به قیمت اینکه مراسمات و خلوت های مناطق را از دست دهیم. بعید می دانم کسی در بینمان به این فکر کرده باشد که دمی از خدمت کم کند و به خلوت بپردازد.

امروز که با یکی از خدام خیمه اباعبدالله گفت و گو می کردم، یاد همان روزها بودم. خادمینی که در نیمه راه نجف تا کربلا توقف کرده اند برای خدمت به زوار و مشتاقان حضرت ثارالله و در همین نیمه راه به مقصد رسیده اند.

آقای دانشمندی، برقراری موکب ایرانی چه شرایطی دارد؟ قوانین خاصی دارند؟ زمین باید بخرید؟...

از شرایطش اطلاع دقیقی ندارم ولی خبر دارم که برخی نهادهای داخلی با هماهنگی ستاد اربعین و احتمالا با داشتن مجوز از مسوولین اجرایی عراق اقدام به دادن مجوز به هیاتها و گروه های ایرانی می کنند. برای این کار هم علاوه بر دادن مجوز حمل وسایل موکب از ایران و هماهنگی حضور خدام، زمین و برخی امکانات دیگر در اختیارشان می گذارند.

موکب های ایرانی چه تعداد هستند؟ دولتی هستند یا مردمی؟

از تعداد دقیق موکبها اطلاعی ندارم ولی خبری از سال گذشته خاطریم هست که بیش از ۵۰۰ موکب



نام داده اند، امسال با هماهنگی هایی که در حال انجام بین هیاتها و گروههای مردمی است، به صورت خیلی منسجم تر در تمام شهرهای مسیر عبور زایران زمینی اربعین در حال شکل گیری می باشد. حتی در برخی شهرها الان هم این مراکز فعال شدن تا زایرانی که از شهر خودشان پیاده قصد سفر دارند هم تنها نمانند.

شخصا به حضور بیش از حد موکب های ایرانی ها در عراق نقد داریم به این دلیل که فضای بومیش از بین می رود، به نظر من بهتر است به جای دخالت در مراسم سنتی و روال هر کشور مثل عراق، به زیرساختهایشان کمک کنیم و اجازه بدهیم مراسمشان را هر طور مایلند انجام بدهند...



واکنش عراقی ها نسبت به حضور موکب های ایرانی چیست؟

اگر از عراقی ها منظورتان دولت و ارگانهاست، که خدا رو شکر در برگزاری مراسم اربعین و خدمت رسانی به زوار ایرانی، تقریبا زیر بلیت سپاه و ستادبازسازی هستند. ولی اگر منظورتان مردم است، هر کس یکبار اربعین کربلایی شده باشد، می داند که عراقی ها کل سالشان یک طرف، اربعینشان یکطرف. اصلا به کل، خلیقات و سکناتشان عوض میشود. با زائر مهربان تر از خانواده خودشان برخورد میکنند. حالا اگر این زایر ایرانی هم باشد، انگار حس قرابت بیشتری دارند. موکبهای ایرانی هم همیشه محل حضور عراقی ها بوده است، مخصوصا که آنها خیلی به سینه زنی های ایرانی علاقه دارند و سعی می کنند در هر موکبی که اقامه عزا کرده حاضر بشوند.

مثلا من شنیدم بخشی از مسیر خاکی است احتیاج به آسفالت دارد، یا تاسیس سرویس بهداشتی و حمام در سراسر مسیر و در مورد زیرساختها باید عرض کنم عراق در حال حاضر کشور متمول و از هر نظر غنی است ولی متاسفانه مدیریت اجرایی ضعیف و فساد اقتصادی در این کشور بیداد میکند. پس اگر موکبها کم بشود زیرساختها درست نخواهد شد. از طرفی به نظر من نه تنها ایرانی ها بلکه سایر ملل و حتی غیرشیعیان باید حضورشان در این مانور قدرت پررنگ تر بشود. چراکه این مراسم یک مراسم سنتی و بومی عراقی نیست و ربطی به ملت و ملیت مردم منطقه ندارد. بلکه یک مراسم اسلامی و شیعی است که سنت اهل بیت است. پس حضور همه نه تنها بی اشکال بلکه نشان دهنده ی عمق نفوذ محبت ائمه در اقصی نقاط جهان است.





اگر ایرانی‌ها خادم موکب عراقی می‌شدند بهتر نبود؟

این که به وفور وجود دارد خدا رو شکر. ضمنا تا جایی که من می‌دانم از سی و هفت کشور دنیا در ایام اربعین موکبهایی وجود دارد که بعد از عراق، ایران و پاکستان و هند بیشترین موکبه‌ها را دارند.

راستی عضوگیری خادم به چه صورت است؟

عضوگیری که تقریبا دو هفته پیش به پایان رسید. چند نفر مسئول این کار بودند که به لطف ارباب در همان روزهای اول اعلام، ظرفیت پر شد. حتی برخی از کسانی که از پارسال تا حالا بارها گفته بودند، آقا ما اربعین هستیم، بهشون نوبت نرسید. با وجود اینکه امسال بیش از سه برابر قبل یعنی تقریبا ۱۰۰ نفر برای خدمت اعزام میشوند ولی حتی زودتر از پارسال به حدنصاب رسید و پر شد. اکثرا هم باتوجه به اینکه سابقه سال قبل را داشتند، خودشان و دوستانشان خیلی قبل از محرم مدارکشان را آوردند و ثبت نام کردند.

هزینه‌های موکب حدودا چقدر است و چطور تامین می‌شود و چند نفر در آن خدمت می‌کنند و چند روز برپاست؟

من از سایر موکبه‌ها اطلاع دقیقی ندارم ولی موکب دوستان ما از تقریبا ده روز قبل از اربعین. تا فردای اربعین در جاده و تا آخر صفر در نجف برپاست. موکب تیر ۲۰۲ که بناست ظرفیت حدود ۳۰۰ زایر برای خواب را داشته باشد که البته ممکن است تغییر هم بکند. موکب، بیشتر با هزینه‌های مردمی و نذورات تامین هزینه میشود. تا الان چیزی در حدود ۴۰۰ میلیون تومان جمع آوری شده که احتمال افزایش هم هست. البته این رقم از سال گذشته تا کنون در حال جمع شدن بوده و تعداد زیادی از افراد دخیل بودند که بیشترشان مبالغ کم در حد ده، بیست هزار تومان اهدا کردند. در این دو موکب جمعا قریب به صد نفر از ایرانیها

و تعدادی هم از عراقی‌ها مشغول هستند و سه وعده غذا به تعداد هر وعده ۱۵ هزار پرس در بین زوار توزیع می‌شود. البته پارسال برخی زوار هم با اصرار زیاد در همان روزها به جمع خادمین پیوستند و بعضا حتی روز اربعین کربلا نرفتند!

یک روز در موکب چطور می‌گذرد؟ از صبح تا شب

معمولا زائرین مهمان موکب، بعد از ظهرها وارد میشوند و اول صبح فردا به جاده میزنند. البته برخی که منتظر هستند یا گمشده‌ای دارند یا خستگی درنرفته‌ای دارند بیشتر مهمان موکب هستند. خادمین موکب‌های بزرگ معمولا دو گروه هستند. یک گروه از اذان مغرب شروع می‌کنند تا اذان صبح و گروه دیگر برعکس. پذیرایی از زائران گذری با چای و اطعمه مختلف معمولا در بخش بیرونی موکب انجام میشود. در داخل موکب هم عده‌ای مشغول نظافت هستند و برخی به تحویل دادن و گرفتن پتوها میپردازند. بعضا تعدادی خواهر هم که معمولا از خود زائرین هستند به خانومها خدمت رسانی می‌کنند. تعدادی هم کارهای خاص و انحصاری دارند. این افراد که بازم بیشترشان از زائرین هستند یا مشغول مشتمال دادن مسافرین خسته هستند، یا به نظافت سرویس بهداشتی و حمام میپردازند و یا در حال شستن و خشک کردن لباسهای خاکی زوار، که البته به زور و خواهش از تنش درآورده‌اند.

اگر بچه‌ها بخواهند شما را پیدا کنند؟

ما دو موکب به لطف خدا داریم که البته هر دو به همت رفقای ستاد بازسازی عتبات برپا میشود. اولی در نجف و پشت صحن حضرت زهرا(س) خواهد بود. و دومی هم در مسیر نجف- کربلا. تیر ۲۰۲. اگر توفیق داشته باشیم راهی بشیم، از ۱۵ صفر انشالله در یکی از این دو موکب در خدمت همه‌ی مسافرین اربعین علی‌الخصوص رفقای

کربلایی خودمون هستیم. موبکی که ما اگه توفیق بشه حاضر خواهیم بود متعلق به ستاد بازسازی عتبات است و احتمالا تابلوی ستاد بالای آن نصب شده و نام احتمالی موبک، موبک انصارالحسین (ع) می باشد.

آخر کلام هم اینکه، حلوی تن تنانی. تا نخوری ندانی. تا زائر اربعین کربلا نشده باشیم نمی توانیم لذت آن را درک کنیم. به کرات دیدم زائرینی که در مسیر یک گوشه می ایستند و فقط جمعیت در حال طی طریق رو نگاه می کنند و از فرط لذت و تحیر های های اشک میریزند. صحنه هایی که در پیاده روی اربعین دیده میشود هیچ جای دیگر دنیا و در هیچ زمانی جز اربعین نمی شود دید. دعا می کنم اربعین ندیده از دنیا برویم و بارها و بارها و بارها توفیق شرکت بامعرفت در این گردهمایی و قدرت نمایی شیعیان امیرالمومنین (ع) رو پیدا کنیم، انشاءالله.

از طرف خودم و همه مشتاقانی که توفیق حضور ندارند التماس دعا!



شور حسین است چه ها می کند!

فاطمه جهانبخش

آدم های زیادی هستند که پوزخند می زنند و عقلشان را به رخ می کشند. ولی اگر حتی یک بار در بین الحرمین قدم زده باشید، اگر یک بار وارد حرم ابا عبدالله علیه السلام و برادرشان ابافضل العباس شده باشید، حتما معنای عقل و عشق برایتان متفاوت است. انگار در این مکان عقل را می گیرند و چیز بهتری به انسان می بخشند.

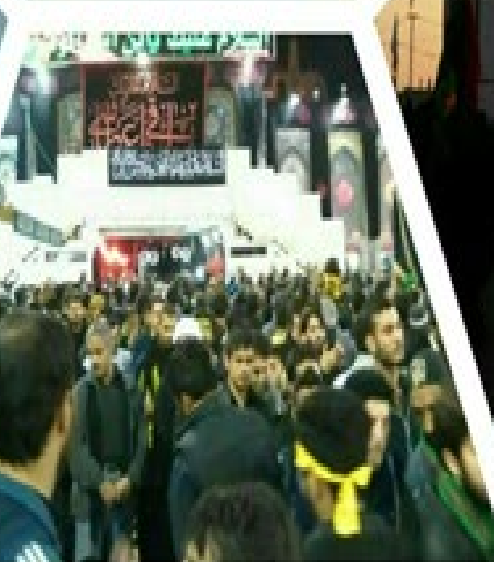
وقتی سال گذشته از سفر اربعین برگشتم احساس رزمندگانی را داشتم که از جبهه بازگشته بودند. تازه می فهمیدم که چرا همه شان در خاطراتشان گفته بودند که نمی توانستند شهر را تحمل کنند. تا روزها، دغدغه های آدم ها برایم مضحک و کوچک بود. هر آدمی نیاز دارد چند روز در فضایی نفس بکشد که پول و سود مادی حرفی برای گفتن نداشته باشد. هر آدمی نیاز دارد آدم هایی را ببیند که نه برای سود بیشتر بلکه برای خدمت بیشتر از هم سبقت می گیرند. هر آدمی نیاز دارد که دلش زنده شود به عشق.

پ.ن ۱: بعد از برگشت جایی خواندم که عده ای در کل سفر نان و پنیر خورده اند. چطور می شود غذای مردمی را نخورد که کل سال به امید این چند روز زندگی می کنند.

پ.ن ۲: کاش ایرانی ها متوجه شوند که موکب های خوش آب و رنگشان اثر زحمات و شور عراقی ها را کمرنگ می کند. کاش اجازه دهند عراقی ها آنطور که خوشان بلدند از میهمانانشان پذیرایی کنند. کاش اجازه دهند زائرین اربعین با برادران و خواهران عراقیشان آشنا شوند.

اینکه چفیه به کمرت ببندی و ساعت ها پای دیگ بایستی، اینکه دانه به دانه آشغال های روی زمین را جمع کنی بی هیچ حرفی، اینکه التماس کنی برای ماساژ تن خسته و خاک آلود یک غریبه، اینکه هرچند ساعت یکبار سرویس بهداشتی تمیز کنی بدون غرزدن، اینکه سرجاده بایستی و دست عابرها را بگیری و خواهی که شب را مهمانت باشند، اینکه التماس کنی برای ماندن یک غریبه در خانه ات و گاهی اشک بریزی که شما برکت یک سال خانه من هستید، اینکه بهترین اتاق را در اختیار مهمان ناشناسی بگذاری که خاکی و عرق آلود است، اینکه چند نوع غذا پیزی که مطمئن شوی مهمانت سیر خواهد شد، اینکه اندوخته یک ساعت را چند روزه برای آدم های غریبه خرج کنی اگر عشق نباشد، جنون است. اینکه وقتی بهترین امکانات جابه جایی را در اختیار داری، تصمیم بگیری پیاده از شهری به شهر دیگر بروی، اینکه در میان گرد و غبار بلند شده از راه رفتن مردم حرکت کنی و غذا بخوری، اینکه شب بعد از ساعت ها راه رفتن همه عضلاتت گرفته باشد و تو لبخند بزنی، اینکه برایت مهم نباشد شب در جایی به عرض شانه هایت داخل کیسه خواب بخوابی یا در خانه یک غریبه، اینکه برایت مهم نباشد غذای سرد میخوری یا گرم، اینکه کلمه ای نتوانی با میزبان حرف بزنی ولی شب را در خانه اش بگذرانی و غذایش را بخوری، اگر عشق نخواهد حتما جنون لازم دارد. آدم های زیادی هستند که دلیل این چیزها را نمی فهمند.





در پناه حرم

انجام مصاحبه : علی دانشمندی

و معلوم نیست کی دوباره چنین توفیقی نصیبش شود.

برای کسانی که مشتاق حضور در جبهه هستند چه سفارشی دارید؟

اول از همه این را یک موهبت الهی بدانند؛ و در صدد افزایش این شوق و ایمانشان باشند. خود خداوند وقتی چنین چیز با ارزشی را در دلشان گذاشته حکمتی دارد و باید بدانند که در جایی مناسب خداوند آنها را برای کاری با ارزش به کار میگیرد. این را نیز بدانند اگر روحیه ی جهادی در زندگی داشته باشی میتوانی این روحیه را در چندین نفر و یا نسل تقویت کنی و این خیلی مهم و مفید است در آخر باید بگویم اصرار باید داشت و از خود اهل بیت و شهدا خواست اگر به صلاحشان باشد به این مهم میرسند اصرار خیلی کارها را درست می کند.

توفیق زیارت حرم حضرت زینب (س) هم دست داده ؟

بله زیارت رفتن و حس و حال خیلی خوبی داشت؛ باید استفاده می کردم ولی صد حیف که توفیق و لیاقت نداشتم.

متن گفت و گو را که خواندم ، هیچ چیز از خودش ننوشته بود ، حتی خاطره هم تعریف نکرده بود . جملات بوی خدا می داد، نه خود. شما هم که بخوانید استشمام می کنید. عجب ندارد، کسی که جانش را کف دستش گرفته و بی تاب تقدیم است، اول از خود گذشته. یکی از دو مدافع حرم جمع یاران ماندگار است. به دلیل ملاحظات خودش را معرفی هم نکرده. آخرش هم گفته ... برادرم ! در پناه حرم پیروز و استوار باشید.

انگیزه شما از حضور در عرصه جهاد و شهادت چیست؟

جهاد یک امر الهی است و توفیقی است که خداوند متعال نصیب انسان میکند. اول و آخرش خداست؛ خداست که برای نجات و به سعادت رسیدن بندگان شوق بعضی چیزها را در دل انسان می اندازد؛ مثلا شوق زیارت کربلا و یا جهاد و شهادت. پس شوق جهاد را خدا به دل بندگان می اندازد و توفیقی است این شوق و بعد از این اختیار دست انسان است که این شوق را بپروراند و با تلاش و کوشش و ایمان به این مرحله برسد که آماده ی جهاد شود. با ایمان قوی است که انسان در جهاد از همه چیزش میگذرد، چون فقط خدا را میبیند ولی اگر این شوق اولیه که خدا به دل کسی انداخت و یا هر شوق الهی دیگر، انسان تنبلی کند این توفیق و شوق از او گرفته می شود



کمی هم از حال و هوای رزمنده های غیرایرانی بگو.

در وصف آنها چیزی نمیتوانم بگویم جز اینکه خیلی مردن و باغیرت . بعضیشان به سختی آمده اند. شرایطشان را که فهمیدم از خودم خجالت کشیدم؛ اینها با این همه مشکل خودشان را به اینجا می رسانند ولی من....

کدام قسمت حضور شما در سوریه برایتان بیاد ماندنی تر بود؟

همه جایش بهترین روزهای عمرم بود ، بخواهم مثال بزنم روز آخر حرم حضرت رقیه خیلی به یاد ماندنی بود.

حرف آخر

شرمنده اگه بد بود، راستی لطف کنید ننویسید مدافع حرم و از این جور چیزا ، آخه خدا و کیلی من کجا مدافعان حرم کجا



اجتناب ناپذیری حضور نظامی ایران در سوریه

محمد قربانی | مدیر دفتر مطالعات سیاسی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها

افزارهای مرتبط آن از یک کشور دیگر آفریقایی و یا حتی خرید تسلیحاتی از روسیه، چین و کره شمالی. البته سوریه به این هم اکتفا نکرد بلکه در حوزه اطلاعات نظامی و جنگی هم کمک های شایانی به ایران کرد. عملیات H3 در استان الانبار عراق که به انهدام بخش عمده ای از توان هوایی صدام منجر شد، با کمک اطلاعاتی و لجستیکی سوریه انجام شد. سوری ها در شمال عراق و در مناطق کردنشین عراق نفوذ بالایی داشتند که این نفوذ در اختیار ایران قرار گرفت و به هم افزایی قدرت ایران منجر شد که باعث شد صدام دیوانه وار با مردم کرد کشور خودش هم بجنگد و توانش فرسوده گردد. سوریه در زمانی که ما نیازمند بودیم با سخاوت و کرامت به ایران کمک کرد و بعد از جنگ حافظ مهمترین دستاورد منطقه ای انقلاب اسلامی ایران - حزب الله - در لبنان بود، هم اکنون به ما نیاز دارد. در این وضعیت منهای مسائل ایدئولوژیک، دینی و یا ... اگر دست کمک ایران را نبیند، معنای این اقدام چه خواهد بود؟ آیا کشورها و ملت های دیگر در این صورت می توانند به ایران اعتماد کنند؟ سوریه ای که حافظ اسد به دولت، ملت و البته فرزندانش وصیت کرده «تا با ایران هستید، هستید».

باید بدانیم همین امروز اگر بشار اسد دست دوستی و همکاری به سمت آمریکا دراز کند، بحران دیگر ساخته داخلی اش تمام خواهد شد. بحران سوریه، صرفا بنیاد داخلی ندارد چرا که مخالفانش هم اغلب داخلی و سوری نیستند. جنگ سوریه، جنگ جبهه مقاومت و جبهه استکباری است و بی شک پیروزی از آن جبهه حزب الله خواهد.

فان حزب الله هم الغالبون

سوریه، اولین کشوری است که انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخت و این از بعد روابط و حقوق بین الملل واجد و حامل معانی مهمی است. البته سوریه پا را فراتر از این گذاشت و دوران جنگ ایران و عراق، ضمن محکومیت عراق در طرف ایران ایستاد. در حالیکه هم کشوری عربی بود و هم مهمتر از آن از لحاظ ایدئولوژی سیاسی مشابه عراق، یعنی بود و حامی و حامل اندیشه های میشل عفلق. گرچه همین اقدامات سوریه را از یک متحد و دوست عراق به کشوری مناقشه برانگیز تبدیل کرده بود، اما باز هم سوریه در اتحاد و رفاقتش با ایران سنگ تمام گذاشت و تیر خلاص بر منابع ارزی عراق زد. از همان سال اول جنگ، سوریه خطوط انتقال نفت عراق را بست و اجازه نداد تا نفت از بندر طرطوس و لاذقیه در دریای مدیترانه و از این طریق به بازارهای بین المللی برسد. گرچه عراق با کمک کویت و عربستان راههای دیگر را امتحان کرد ولی به طور قطع هزینه انتقال برای کشور در حال جنگی مثل عراق بالا رفت و صندوق ذخیره ارزی آن را کاهش داد.

همین سوریه ای که امروز محتاج منابع مستشاری و تسلیحاتی ایران است، در سالهای دفاع مقدس درهای پلمپ شده ذاعه های مهماتش را به طور سخاوتمندانه برای ایران باز کرد و زمانی که کشورهای دیگر تحت فشار شرق و غرب حاضر به فروش تسلیحات به ما نبودند، نقش واسطه را بازی کرده و بدون چشمداشت، جمهوری اسلامی ایران را یاری داد. از جمله همکاری در خرید چندین فروند موشک راهبردی ساخت روسیه از طریق لیبی و یا چندین فروند هواپیمای جنگی با مهمات و جنگ



برای دفن شهدا، مهدی بیا!

جلوی خانه شهید ، غلغله بود. پیکر را برای وداع آورده بودند. نمی دانم مادر و خواهرانش را چه کسی دلداری می داد . همسر جوانش سر به کدام دیوار می گریست . کودک خردسالش از هجوم این همه اندوه و ترس به آغوش چه کسی پناه برده بود. فقط دوستان و هم قطارانش را می دیدم که با سوز و گداز گریه می کردند و ناله سر داده بودند. شانه های لرزان و بی تاب پدر را که نوازش می دادند ،

گفت : برای پسرم گریه نمی کنم، برای حرم بی بی گریه می کنم که یک مدافعش کم شد....

تابوت روی دست مردم موج خورد و رفت ، میان مدح و ضجه و فریاد ، یک شعار جان می گرفت:

برای دفن شهدا ، مهدی بیا ، مهدی بیا!

